

بررسی چرایی سقط جنین در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده و کارگردان مستند «بمانی»

برکت وجود کودکانی که بنا بودند نباشند!

تجربه‌های خانواده‌هایی که از سقط جنین پشیمان شده‌اند نشان می‌دهد بسیاری از نگرانی‌هایی که در زمان بارداری داشتند با گذشت زمان برطرف شده و جای خود را به حس افتخار، عشق و رضایت داده است

با آنکه مادر شدن یکی از ناب‌ترین احساساتی است که یک زن می‌تواند در طول زندگی‌اش تجربه کند و چیزی حدود ۲۰درصد از زوج‌ها به دلایل مختلف ناباور هستند و در حسرت آن که بتوانند روزی فرزند خودشان را داشته باشند، به‌زار راه متوسل می‌شوند و در مراکز ناباروری میلیون‌ها تومان هزینه می‌کنند تا شاید بتوانند حسن ناب پدر شدن و مادر شدن را تجربه کنند، بسیاری از مادرانی که از این نعمت برخوردارند و می‌توانند فرزند خودشان را داشته باشند و با در آغوش کشیدن فرزندشان ششم‌ای از مهر الهی را تجربه کنند، انتخاب دیگری می‌کنند و آن هم سقط جنین است! آمارهای متفاوتی از سقط جنین وجود دارد اما قدر مسلم این است که تعداد سقط جنین‌های غیرقانونی و غیرپزشکی کم نیست و مطابق برخی آمارها به اندازه نوزادانی که متولد می‌شوند، سقط جنین داریم، یعنی چیزی بالغ بر سالی ۵۰۰هزار تا حتی یک‌میلیون جنین حتی پیش از آنکه تولد را تجربه کنند و در این دنیا برای یک بار هم که شده نفس بکشند، به قتل می‌رسند!از همه عجیب‌تر اینکه قاتل این بچه‌ها پدر و مادرشان هستند و اغلب آنها هم در خانواده شکل گرفته‌اند. عدد و رقم قابل توجه آمار سقط جنین جدای از اینکه کاری غیراخلاقی است و تقریباً در همه فرهنگ‌ها و ادیان عملی مذموم تلقی می‌شود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای هم روی آمارهای جمعیتی کشور دارد و اگر این تعداد از جنین‌ها به جای مرگ تولد را تجربه کنند، بخش مهمی از چالش تنگنای جمعیتی کشورمان حل و فصل خواهد شد. بر این اساس تلاش‌هایی در خصوص اقناع خانواده‌ها به نگه داشتن فرزندانشان در حال انجام است، نمونه‌اش پویش «فقس» بسیج جامعه پزشکی است که توانسته طی دوران فعالیتش از سقط ۶هزار جنین جلوگیری کند. همچنان که در این مسیر برخی از افراد دیگر از ابزار هنر بهره گرفته و برای بررسی و همچنین تلاش برای اقناع پدر و مادرهایی که می‌خواهند فرزندشان را بکشند وارد میدان شده و در این حوزه کارهایی را انجام داده‌اند. مستند «بمانی» به کارگردانی محمدرضا دهستانی یکی از همین کارهایی است که با هدف فرهنگ‌سازی و به منظور مقابله با سقط جنین تهیه شده است. دهستانی در تحقیقاتش برای این مستند حرف‌های جذابی برای ما و به خصوص پدر و مادرهایی دارد که به جای ذوق برای تولد فرزندشان هم اکنون به گریه قتل او با سقط جنین فکر می‌کنند.

■ ■ ■

در خصوص مستند بمانی می‌خواستم توضیحاتی بفرمایید؛ اینکه در تحقیقاتی که برای این مستند داشنید چقدر با خانواده‌هایی مواجه شدید که می‌خواستند سقط جنین داشته باشند و دلیل‌شان برای این کار چه بود؟

در پژوهشی که برای این مستند داشتیم، معمولاً خانواده‌ها به دلایل مختلفی تصمیم به این کار گرفته بودند که رایج‌ترین دلایل شامل این موارد بود: مشکلات اقتصادی؛ بسیاری از خانواده‌ها نگران هزینه‌های مالی بزرگ کردن فرزند هستند و احساس می‌کنند توانایی حمایت از یک کودک دیگر را ندارند. بارداری ناخواسته؛ در برخی موارد، بارداری بدون برنامه‌ریزی قبلی اتفاق می‌افتد، به‌ویژه در میان زوج‌های جوان یا زنانی که هنوز شرایط ثبات خانوادگی ندارند. مشکلات پزشکی؛ برخی از والدین وقتی متوجه می‌شوند جنین دارای مشکلات ژنتیکی یا ناهنجاری‌های شدید است، تصمیم به سقط می‌گیرند.

فشارهای اجتماعی و خانوادگی؛ بارداری خارج از چارچوب از دواج به شرایط خاصی می‌تواند فشارهای اجتماعی سنگینی به مادر وارد کند.

آسیب‌هایی که سقط جنین می‌تواند در خانواده داشته باشد؟ چیست؟

در واقع سقط جنین، چه به صورت خودخواسته و چه



اجباری، پیامدهای متعددی برای خانواده‌ها دارد. این

آسیب‌ها می‌آی توان در چند بعد بررسی کرد.

۱- آسیب‌های روانی و عاطفی احساس گناه و افسردگی؛ برخی از والدین، به‌ویژه مادران، پس از سقط دچار احساس گناه شدید، افسردگی و اضطراب می‌شوند. تعارضات زناشویی؛ در برخی موارد، یکی از طرفین ممکن است با تصمیم سقط مخالف باشد که می‌تواند به مشکلات زناشویی، سردی عاطفی یا حتی جدایی منجر شود.

افسردگی پس از سقط؛ برخی زنان دچار سندرم «افسردگی پس از سقط» می‌شوند که علائمی مانند اندوه عمیق، بی‌انگیزگی و استرس دارد.

۲- آسیب‌های جسمی مشکلات باروری در آینده؛ اگر سقط به صورت غیربهداشتی یا بدون نظارت پزشکی انجام شود، ممکن است به رحم آسیب برساند و باعث ناباروری یا بارداری‌های پرخطر در آینده شود. خطر عفونت و مشکلات پزشکی؛ روش‌های غیراستاندارد سقط می‌توانند باعث عفونت‌های شدید، خونریزی‌های خطرناک و حتی مرگ شوند.

۳- آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی فشار و قضاوت اجتماعی؛ در برخی جوامع، زنانی که سقط جنین داشته‌اند یا ناگه منفی یا قضاوت‌های اخلاقی روبه‌رو می‌شوند.

تأثیر بر سایر فرزندان؛ اگر خانواده فرزند دیگری داشته باشد، او ممکن است درک درستی از این اتفاق نداشته

باشد و دچار اضطراب یا سردرگمی شود.

۴- آسیب‌های معنوی و اعتقادی احساس بحران هویت و گناه معنوی؛ برخی افراد به دلیل باورهای دینی یا اخلاقی، بعد از سقط دچار بحران‌های شدید معنوی و احساس گناه عمیق می‌شوند.

تردید در ارزش‌های خانوادگی؛ سقط ممکن است باورهای بنیادین خانواده را درباره زندگی، فرزندآوری و مسئولیت‌پذیری تحت تأثیر قرار دهد.

چقدر با خانواده‌هایی مواجه شده‌اید که از سقط جنین پشیمان بوده‌اند؟

موارد زیادی وجود دارد که خانواده‌ها پس از سقط جنین دچار پشیمانی شده‌اند. میزان پشیمانی به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله دلایل سقط، شرایط روحی و اعتقادی خانواده و حمایت‌های روانی است که پس از این اتفاق دریافت کرده‌اند. مثلاً مادرانی که احساس گناه و اندوه شدید داشتند، بسیاری از زنان، به‌ویژه آنهایی که تحت فشار اطرافیان یا شرایط اقتصادی دست به این کار زده‌اند، بعدها دچار احساس گناه شدید، افسردگی و حتی اختلالات اضطرابی شده‌اند. برخی از آنها بعد از مدتی احساس می‌کنند می‌توانستند راه‌حلی برای حفظ فرزند خود پیدا کنند. زوج‌هایی که پس از سقط دچار بحران در رابطه شده‌اند در بعضی موارد، یکی از طرفین (معمولاً پدر)

۶۶

به عنوان یک مستندساز معتقدم فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی نقش بسیار مهمی در کاهش سقط جنین دارد. این موضوع فقط یک مسئله پزشکی یا قانونی نیست، بلکه به‌شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. بسیاری از سقط‌ها ناشی از ناآگاهی دربارۀ روش‌های پیشگیری از بارداری است. تولید محتوای آموزشی، فیلم‌های کوتاه و مستندهایی که آگاهی در این زمینه را افزایش دهند، می‌توانند به کاهش بارداری‌های ناخواسته کمک کنند



بعدها احساس کرده در تصمیم‌گیری عجول بوده یا حمایت کافی از همسرش نداشته است. برخی از زوج‌ها بعد از این اتفاق، فاصله عاطفی گرفته‌اند و حتی کارشان به جدایی کشیده است. خانواده‌هایی که بعدها پشیمانی داشته‌اند، برخی از زنانی که سقط کرده‌اند، در بارداری‌های بعدی با مشکلاتی مانند سقط‌های مکرر، ناباروری یا مشکلات جسمی مواجه شده‌اند که این موضوع حسرت آنها را بیشتر کرده است. افرادی که با تغییر شرایط زندگی نظرشان عوض شده است، بعضی از خانواده‌ها پس از بهبود وضعیت اقتصادی یا حل مشکلاتی که در زمان بارداری داشتند، به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانستند فرزندشان را نگه دارند. این افراد معمولاً وقتی به فرزندانی که بعداً به دنیا آورده‌اند نگاه می‌کنند، با خود فکر می‌کنند که کودک سقط‌شده‌شان هم می‌توانست در کنارشان باشد.

و بر عکس خانواده‌هایی که از انصراف از این کار راضی بوده‌اند؟

خانواده‌هایی که از تصمیم به عدمسقط جنین راضی بوده‌اند، معمولاً بعد از گذشت زمان، به دلایل مختلف احساس خوشحالی و رضایت می‌کنند. تجربه‌های این خانواده‌ها نشان می‌دهد بسیاری از نگرانی‌هایی که در زمان بارداری داشتند، با گذشت زمان برطرف شده و جای خود را به حس افتخار، عشق و رضایت داده است.

دلایل اصلی رضایت این خانواده‌ها: عشق و تعلق به

فرزند بسیاری از والدینی که تصمیم به نگه‌داشتن فرزند خود گرفته‌اند، پس از به دنیا آمدن کودک‌شان احساس کرده‌اند که او تبدیل به مهم‌ترین بخش زندگی‌شان شده است. برخی می‌گویند: «تصور نمی‌کنیم که زندگی بدون این بچه چطور می‌توانست باشد.» بهبود شرایط اقتصادی و خانوادگی برخی از خانواده‌ها که به دلیل مشکلات مالی می‌خواستند سقط کنند، بعدها شرایط مالی بهتری پیدا کرده و متوجه شده‌اند نگرانی‌های‌شان موقتی بوده است. بعد از گذشت زمان، آنها احساس کرده‌اند می‌توانند از پس هزینه‌های فرزندشان بربیایند. حمایت اطرافیان و تغییر نگرش جامعه به بسیاری از زنان که از ترس قضاوت اجتماعی یا فشارهای خانوادگی تصمیم به سقط گرفته بودند، آنها بعداً متوجه شده‌اند این نگرانی‌ها کمتر از چیزی بود که تصور می‌کردند. وقتی حمایت اطرافیان را تجربه کرده‌اند، متوجه شده‌اند می‌توانستند فرزندشان را در محیطی سالم و پر محبت بزرگ کنند. تجربه معنوی و احساس آرامش برخی از والدین، به‌ویژه کسانی که اعتقادات مذهبی دارند، پس از انصراف از سقط جنین، احساس آرامش و رضایت عمیق‌تری پیدا کرده‌اند.

بسیاری از آنها حس می‌کنند این تصمیم باعث برکت در زندگی‌شان شده است. تجربه بچه‌دار نشدن در آینده برخی از زنانی که تصمیم گرفتند فرزندشان را نگه دارند، بعدها متوجه شدند اگر سقط کرده بودند، ممکن بود دیگر نتوانند مادر شوند. این تجربه باعث شده است آنها از تصمیم‌شان خوشحال باشند و کودک‌شان را بیشتر از قبل ارزشمند بدانند. نمونه‌هایی از تجربه‌های واقعی مادری که می‌خواست سقط کند، چون همسرش بیکار بود، اما بعدها همسرش شغل خوبی پیدا کرد و فرزندشان مایه خوشحالی خانواده شد. زنی که تحت فشار خانواده‌هاش بود که سقط کند، اما مقاومت کرد و بعدها دید که فرزندش باعث اتحاد بیشتر خانواده شد. زوجی که فکر می‌کردند آمادگی والدین شدن را ندارند، اما بعد از به دنیا آمدن فرزندشان متوجه شدند بهترین تجربه زندگی‌شان بوده است.

به عنوان یک هنرمند چقدر فکر می‌کنید مسئلهسقط جنین می‌تواند با فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی کاهش پیدا کند؟

بنده به عنوان یک مستندساز معتقدم فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی نقش بسیار مهمی در کاهش سقط جنین دارد. این موضوع فقط یک مسئله پزشکی یا قانونی نیست، بلکه به‌شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. هنر به‌ویژه سینما و مستندسازی می‌تواند در این زمینه تأثیر عمیقی بگذارد. بسیاری از سقط‌ها ناشی از ناآگاهی درباره روش‌های پیشگیری از بارداری است. تولید محتوای آموزشی، فیلم‌های کوتاه و مستندهایی که آگاهی در این زمینه را افزایش دهند، می‌توانند به کاهش بارداری‌های ناخواسته کمک کنند. برخی خانواده‌ها که به دلیل فشار اجتماعی، ترس از قضاوت شدن یا شرم، تصمیم به سقط می‌گیرند، رسانه و هنر می‌توانند این تابوها را بشکنند و نشان دهند که یک مادر تنها یا یک زن در شرایط خاص هم می‌تواند فرزندش را با عزت و موفقیت بزرگ کند. بسیاری از زنانی که سقط را تجربه می‌کنند، بعدها با احساس گناه، افسردگی و مشکلات روانی مواجه می‌شوند. یک مستند یا فیلم می‌تواند این تجربیات را بازگو کند و آگاهی جامعه را نسبت به پیامدهای سقط افزایش دهد. اگر جامعه و سیاستگذاران حمایت بیشتری از مادران باردار (به‌ویژه در شرایط سخت) داشته باشند، بسیاری از آنها دیگر احساس ناامیدی و اجبار به سقط نخواهند داشت. رسانه‌ها و فیلم‌ها می‌توانند بر لزوم ایجاد این حمایت‌ها تأکید کنند. نشان دادن داستان‌های واقعی مادرانی که در شرایط سخت بارداری خود را ادامه داده‌اند و بعدها تصمیم‌شان خوشحال شده‌اند، می‌تواند الهام‌بخش باشد. فیلم‌هایی که چنین تجربه‌هایی را بازگو کنند، می‌توانند نگرش افراد را تغییر دهند. در بسیاری از کشورها، فیلم‌ها و مستندهایی که به موضوع سقط جنین پرداخته‌اند، باعث تغییر قوانین، افزایش آگاهی عمومی و کاهش نرخ سقط شده‌اند.

جمعیت

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۵۲۳۰

گفت‌وگو
وینرین



می‌خواهم بمانم

آفرینش یک موجود در عین پیچیدگی و نظم، زیباترین هدیه طبیعت به‌شمار می‌آید. وجهیه سامانی در کتاب «می‌خواهم بمانم» آثار برگزیده مسابقه داستان کوتاه «نه به سقط عمدی جنین» متفاوت این مجموعه در یک چیز اشتراک دارند، آن هم این موضوع که سقط جنین بدون دلیل منطقی، جنایتی خودخواهانه محسوب می‌شود.

درباره «می‌خواهم بمانم»

مادر شدن یا پدر شدن تجربه نابی است که افراد در طول زندگی تجربه می‌کنند، اما این تجربه گاهی با بحران‌هایی همراه می‌شود که سرنوشت انسانی را که قرار است یا به این دنیا بگذارد، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وجهیه سامانی در کتاب می‌خواهم بمانم از چالش‌های مواجهه افراد با مسئله بارداری، سقط جنین و تجربه پدر شدن یا مادر شدن داستان‌های متفاوتی را نقل می‌کند؛ داستان‌هایی از زندگی‌های مختلف که هر کدام به پایان یا ادامه زندگی یک موجود بی‌گناه ختم می‌شود.

انسان امروزی بعد از قرن‌ها تلاش و مطالعه به جایگاه هر موجود زنده به منزله نیروی ارزشمند حیات پی برده است؛ موجودی که پس از مراحل پیچیده آفرینش خلق می‌شود و تکه‌ای از روح هستی را از آن خود می‌کند، لایق رزستنی شایسته است.

در این میان انسان با بهره‌گیری از قدرت تفکر و دستیابی به علوم و فنون بیشتر در برخی موارد خود را برای انجام برخی کارها-برق و صاحب اختیار می‌بیند و با تکیه بر این قدرت گاهی اقدامات خودخواهانه‌ای انجام می‌دهد. سقط جنین یکی از مواردی است که بی‌رحمانه انجام می‌گیرد.

به دلیل اهمیت و مقابله با انجام بی‌رویه سقط جنین در سال۱۳۹۸ یک مسابقه‌داستان‌نویسی بشردوستانه با عنوان نه به سقط جنین برگزار شد تا کمک‌ی باشد جهت آگاهی‌دادن و گسترش فرهنگ و فلسفه محافظت از حیات و روح انسانی. این حرکت ارزشمند فرهنگی با رویکرد «هر انسانی حق رزستن دارد و هیچ کس نباید مانع آن شود» مورد توجه نویسندگان و منتقدان قرار گرفت.

نویسنده کتاب پیش‌رو از این مسابقه مجموعه‌ای را تحت عنوان «می‌خواهم بمانم» از بهترین داستان‌ها گرد هم آورده است تا این آثار به انتشار بالاتری برسد و مخاطبان بیشتری از آن بهره‌مند شوند.

کتاب می‌خواهم بمانم را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم

علاقه‌مندان به داستان کوتاه با موضوعات خاص و جذاب، از این اثر لذت می‌برند و موقعیت‌ها و چالش‌های انسانی را از منظری تازه مشاهده می‌کنند.

در بخشی از کتاب می‌خواهم بمانم می‌خوانیم:
به این فکر می‌کنم که تنها نیستم. در تمام اتفاقات آینده ما دو نفر هستیم. باز یاد حرف‌های مهری می‌افتم. زیر لب می‌گویم: «چچه من! آدمی که می‌توم، به وجود افتخار کنم؛ کسی که قراره دنیا رو تغییر بده.»

از استرس زیاد یک ساعت مانده به قرار جلوی کافی شاپ منتظرم. هر چند دقیقه یک‌بار ساعت را نگاه می‌کنم. بالاخره از انتهای خیابان، میمیر را می‌بینم که نزدیک می‌شود. برایش دست تکان می‌دهم. جلو می‌آید. باهم داخل می‌رویم. کنج خلوتی برای نشستن پیدا می‌کنم. می‌پرسد: «چرا اینجا؟ خیلی گوشه‌اس.»

- برای حرف‌زدن بهتر.

صبر می‌کنم تا برای‌مان دو فنجان چایی و نبات بیاورند. می‌گویم: «خبر مهمی هست... من مدتی... که عقب انداختم!»

میمیر به‌هیچ عکس‌العملی نگاهم می‌کند. به نظر متوجه چیزی نشده. سرم را پایین می‌اندازم و تمرکز می‌کنم روی بخار فنجان که در هوا محو می‌شود. باید زودتر بگویم و خودم را خلاص کنم: «دیروز با منم بودم. رفتم برای آزمایش. من باردارم!»

مهم‌ترین صدایش را بشنوم، اما تنها سکوت است. سرم را بالا می‌آورم، نگاه حیران و ناراحتش قلمب را می‌فشارد. سکوتش به نحو آزاردهنده‌ای کش می‌آید. یاد حرف‌های مهری می‌افتم: «بشت که باشه، دنیا میشه لشکر فولادزرم...»

صدایش غریبه و سرد به گوشم می‌رسد: «چند وقته؟»

- چی؟

- همون چند وقته‌ش؟

موجی داغ از کف پایم بالا می‌آید و صورتم گر می‌گیرد. با خودم می‌گویم حتی اسم بچه را هم نمی‌خواهد ببرد.